



گاهنامه فرهنگی اجتماعی ایران

شماره مجوز: ۹۶/۹/۲۵ ش/ک/۵۱۵

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مدیر مسئول: مهدی سعادت

سردبیر: مبینا شورابی

گرافیک و صفحه‌آرایی: فائزه ناصری‌فرد

تحریریه این شماره: رقیه ناروئی، فاطمه وفاپی، عاطفه جعفری، زینب عطازاده، علیرضا صدرایی فر، محمد بخشی، صالح صفوی، ویراستار: محدثه اکبری

سال سوم - شماره دهم - مهر ۱۴۰۳ | نشریه جامعه اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد



تاریخ تکرار می‌شود... صفحه ۸

در این شماره می‌خوانیم ...

صفحه ۴ ملاقات با جمعی از کتاب‌های نخوانده

صفحه ۳ آب زنید راه را، هین که نگار می‌رسد!

صفحه ۷ دورریز غذایی بیمارستانی

صفحه ۶ مصاحبه با سید حمیدرضا رستگار مقدم

صفحه ۸ زن غزه صبر

صفحه ۸ سید حسن نصرالله

کتاب

فهرست مطالب

- ۳ ☞ آب زینلاراه را، همین که نگار می رسد...
- ۴ ☞ ملاقات با جمعی از کتاب های نخوانده
- ۶ ☞ مصاحبه با سید حمید رضا رستگار مقدم
- ۷ ☞ دورریز غذایی بیمارستانی
- ۸ ☞ سید حسن نصرالله
- ۸ ☞ تاریخ تکرار می شود...
- ۸ ☞ زن غزه صبر

آب زیند راه را، هین که نگار می رسد...

نویسنده: علیرضا صدرایی فر
دانشجوی پزشکی

همانطور که به خاطر داریم، در تاریخ ۱۱م دی ماه سال ۱۴۰۱، دانشگاه ما افتخار میزبانی یک میهمان عزیز و نور چشمی را پیدا کرد.

پس از گذشت سه ماه از غائله ی زن زندگی آزادی و خاموش شدن بخش غالب آتش اعتراضات و اغتشاشات، دانشگاه علوم پزشکی مشهد برای تدفین یکی از پهلوانان جنگ تحمیلی که حالا، نام شناسنامه ای او از دیدگان ما، پنهان شده است، آماده شده بود و دانشجویان زیادی با ذوق و اشتیاق فراوان، چشم به راه میهمانشان نشسته بودند.

از همان ابتدا تا چند ماه پیش، فضا سازی خودمانی مزار، به زائران و میهمانان شهید، ماوا داده بودند. بچه ها نیز در همان فضا، کنج دنجی برای خوب شدن می یافتند و خلوتی باخودشان و خدای خودشان فراهم می کردند. خیلی وقت ها حتی دورهمی های بچه ها، در این محل سبز و نورانی، برگزار می شد. از همان ابتدای کار، معلوم بود که این فضا سازی، دائمی نخواهد بود و دانشگاه، طرح دیگری در سردارد.

دانشگاه طرحی در نظر داشت که سختی با معنویت لازمه ی یک آرامگاه نداشت؛ بنایی مرتفع، تجملاتی و پر هزینه. لذا در یک فراخوان مجازی، از دانشجویان دعوت شد تا طرح مدنظر خود را ارسال کنند. از این طریق، به نوعی اطلاع رسانی و ایجاد آمادگی ذهنی هم برای ساخت مقبره ی جدید، انجام شد. حالا هم منتظر افتتاح فاز اول مزار جدید شهید گمنام در آبان ماه هستیم.



ملاقات با جمعی از کت...

کتاب خوارها، کتابخوانها و نیمه کتابخوانها، همانها که بخشی از زیست روزمرهشان با کتاب گره خورده، همانها که اگر اندکی در مفارقت کتب به سر ببرند، تو گویی نفسشان تنگ و چشمهایشان تار می شود و سرشان سیاهی می رود، همیشه چنین دغدغه داشته اند که با کتابهای نخواندهشان چه کنند. از بین گروههای نامبرده، هر شخصی فراخور بودجه، مقدار نیاز، وسواس به تمیزی، علاقه به کلکسیونری و امثال اینها، منبع تامین تغذیهی فکری اش را یک جایی می داند. یکی فراخور بودجه، کتب مستعمل یا چاپهای قدیمی می خرد، یکی حسب وسواس و یا پیشروی با روزگار، از جدیدترین نشرها و شیکترین کتابفروشیها خرید می کند، یکی هم بی توجه به اینها، از کتابخانههای عمومی و خصوصی دیگران مستفید می شود و پشت پا به عالم تعلقات مادی می زند. راستش را بخواهید، تعادل از نظر نگارنده، التقاطی از این سبکها به علاوه کتابخانههای مجازی می باشد.

حال که دسته بندی ای داشتیم از روشهای تهیه کتب، قرار است به یک اشتراک بزرگ برسیم! شما چه قرض گیرنده باشید و چه خریدار و چه سارق کتب، چه سفید پوست باشید چه سیاه و چه زرد، چه فوق دکترای مطالعات اجتماعی باشید، چه کودکی دبستانی، باید قبول کنید که همه مان در تعداد کتبی که نخوانده ایم مشترک ایم، مهم نیست که یکی چندصد تا یا هزار تا کتاب بیشتر از شما خوانده باشد، نکته قابل اعتنا این است که هر دو نفر، میلیونها کتاب را نه خوانده اید و نه حتی اسمشان را شنیده اید! این همان چیزی است که احتمالاً اینشتین گفته است: (همه مادر میزان نادانی و نادانستن هایمان، مشترکیم).

همیشه که نمی توان غر زد و حرص خورد که چرا هنوز فلان کتابها را نخوانده ام و در دنیای فلان اندیشمند سیر نکرده ام و از این دست گله مندیهای همیشگی... از نگارنده احتمالاً راهکاری برای خلاص شدن از شر اینچنین افکار بخواهید. با اینکه اینجانب، در اینکار حرفه ای نیست اما بدش هم نمی آید کمی چاره های خبیثانه پیشنهاد دهد که حداقل اگر کتابهای زیادی نخوانده اید، چنین وانمود کنید که اینگونه نیست.

قدم اول، بخاطر داشتن این جمله از نویسنده ای قدیمی است که می گوید: (کتابهایی را که قرار است نقد کنم هیچوقت نمی خوانم). به نظر می توان این تعبیر را تسری به نظر دادن درباره کتب داد و بدانیم که



نویسنده: علیرضا صدرایی فر
دانشجوی پزشکی



باب‌های نخخوانده!

خوانش باعث ایجاد پیش فرض های ذهنی در ما می شود و اصولاً از متن دور می شویم و خود را غرق در فرامتن های ساخته و پرداخته خودمان می یابیم. پس در واقع، صحبت هایمان حول کتاب ها نیست و به تعبیر بایار، حول کتاب های درونی مان است! کتاب درونی چیست؟! معلوم است دیگر، کتاب هایی که وجود خارجی ندارند و بافته های مغز عزیزمان است.

اگر برای برداشتن گام دوم آماده اید باید عرض کنم که برای سخن گفتن من باب کتابی، کافی ست بدانید که داشتن اطلاعاتی چند از موقعیت مکانی احتمالی آن کتاب در کتاب فروشی یا کتاب خانه، می تواند ابری از اطلاعات را در سرتان بارور سازد و بی آنکه حتی آن را تورقی کرده باشید. مثلاً یکی از کتبی که بیژن اشتری ترجمه کرده است را در دست بگیرید و این ور و آن ور با خودتان بپزید، تا دیگران قند در دلشان آب شود و بگویند که «وای چقدر فلانی منورالفکر است!» اگر هم نظرتان را یا مقدمه ای درباره کتاب خواستند - و البته اگر به و جناتشان نمی خورد که سطحشان بالاتر از شما باشد - کافیست کمی ضد چپ ها سخنرانی ایراد فرمایید و کمی از دیکتاتوری و عقب ماندگی حکام و اندیشمندان مارکسیست و مائوئیست تفت بدهید و هر بدبختی و فلاکتی که در عالم و آدم هست را به آنها نسبت بدهید (هیچ مهم نیست که اصلاً کتب ترجمه شده به واسطه اشتری، همه در عناد با چپ ها و جاهایی در تضاد با واقعیت است). یا می توانید جمهور افلاطون را بخردید و در کيفتان بگذارید و هر از گاهی به اطرافیانتان از ژرف اندیشی افلاطون در چند ده قرن پیش سخن بگویند و با مفاهیمی کلی و موهوم، حول کتاب حرف بزنید.

گام سوم، قدمی ست عقلایی تر و بیشتر مطابق با واقعیت، بعضی کتاب ها هستند که درباره کتاب های دیگر نوشته شده اند؛ مثل مجله ها و کتاب های نقد، با وجود این کتاب ها باید کلاهتان را بپندازید بالا چرا که کارتان آسان تر خواهد بود. ریسک نظردهی ها بتان پایین می آید و می توانید برای حرف خودتان، فلان نوشته را نیز ضمیمه ای برای تایید قرار دهید.

اما همه این ها را که کنار بگذاریم و چنانچه قبول کنیم که این، واقعیتِ ناحقیقی جهانِ پست مدرن ماشده است که انسان های خواهند خود را فرای آنچه که هستند و بی توجه به حقیقت، عاقل تر و خردمند تر نمایش دهند. در این نگرش از جهان، کتاب خوانی کاری فرمالیته و برای پردازدن به نظر می رسد و مردم به خاطر جلد زیبا، کتاب ها را خریداری و ذخیره می نمایند. حال در چنین وضعی ست که باید سنت کتابخوانی را احیا و خونِ معاشقه با کتاب را در رگ های کرونری مان بدوانیم.

می دانم که پاراگراف های بالا، در حال آموزش شیدایی به تازه کاران کنجکاو بود؛ اما ناچار باید اقرار کرد که اصل قضیه، چیز دیگری ست. بایار به عنوان وام دار اندیشه این متن، قصد دارد از نقش غیر عینی «متون» و نقش عینیت یافته «فرامتن ها» بگوید. فی الواقع «زیر متن» را به عنوان عنصر فراموش شونده در نظر می گیریم و از آن پس، عرصه جولان کتاب را به دست فرامتن می سپریم. فرامتن هم که چیزی نیست که بتوان برایش شاخ و شانه کشید و آن را محدود به عواملی خاص و دلخواه کرد، فرامتن قابلیت پرواز «به سوی بینهایت و فراتر از آن» را دارد! بنابراین همین است که چندان هم دروغ نگفته ایم اگر درباره کتب نخخوانده مان زبان بگشاییم؛ چرا که چه کسی که کتاب را خوانده و چه کسی که نخخوانده، در حال برگزیدن یک فرامتن از متن مذکور هستند و دست تا حدودی باز است.



مصاحبه با استاد سید حمیدرضا رستگار مقدم

به نظر استاد علت محبوبیتشان مواردی مثل: (احترام برای استقلال فکری و وجود دانشجویان و به کارگیری تک تک دانشجویان در امر تدریس هست).

از نظر استاد اولین تجربه‌ها و برآوردها بسیار مهم می‌باشند. نقطه قوت ایشان در بین درس‌های دوران دبیرستان درس فیزیک بوده است و این به علت رفتار دبیر فیزیک استاد بوده است.

علت علاقه ایشان به تدریس، اثرگذاری بالای اساتید هم با کلام و هم با رفتارشان در بین دانشجویان هست. از نظر استاد، در زندگی انواع شکست‌ها و موفقیت‌ها را تجربه خواهیم کرد؛ مهم این است که انسان از خودش احساس رضایت داشته باشد.

استاد از این که به پزشکان تدریس می‌کنند احساس رضایت دارند؛ همچنین ایشان به اهمیت یادگیری نکات بالینی از علوم پایه تاکید کردند.

خاطره ایشان از ترم یک خودشون: (ایشان با جدیت از استاد خودشان پرسیدند که دفتر چند برگه باید بیاورند)!

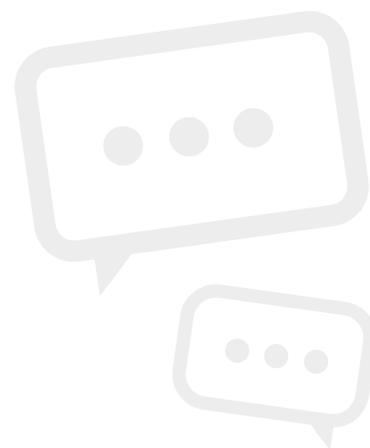
نکاتی در مورد بالین: (همیشه با بیمار حرف بزنید و بپرسید چه اتفاقی افتاده است، بهترین کمک کننده برای پزشک، اطلاعات خود بیمار هست ممکن هست در ابتدا، بیماران اطلاعات نامربوط ارائه دهند اما با سوال‌های بیشتر و دقیق‌تر شفافیت بیشتری حاصل میشود). استاد در دوره‌های قبل از دکتری تخصصی فعالیت متفرقه نمی‌کردند؛ بیشتر فعالیت‌های علمی انجام می‌دادند. اما در دوره دکتری تخصصی با کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده همکاری‌هایی در بحث مقالات داشتند.

کلام آخر استاد: (استاد هم ناامیدی‌های زیادی را تجربه کردند اما ادامه دادند، برای چیزی که ارزش ادامه دادن دارد پافشاری کنید. سختی‌ها و مشکلات همیشه هستند، وقتی تصمیمی می‌گیرید، مردم منصرف نمیکنند، ادامه که بدی مسخرت میکنند و وقتی پیروز شدی همون افراد به شما دست میدهند).

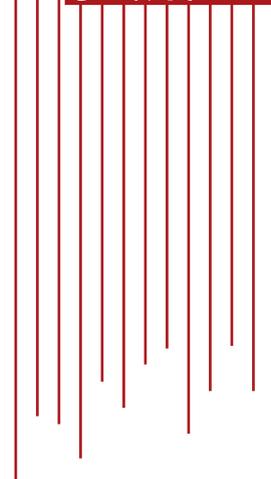
استاد همزمان با تحصیل کار هم میکردند. در بازار استاد را ملامت می‌کردند که درس خواندن فایده‌ای ندارد وقتی پول در کف بازار است اما بعد از موفقیت استاد همان افراد از استاد به عنوان یه مشاور استفاده میکنند.

برای هدفی که با مطالعه و تحقیق انتخاب کرده‌اید، وقت بگذارید، ادامه دهید، انگیزه خودتان را از دست ندهید.

ویژگی‌های خاص استاد از نظر خودشون: سخت کوشی، مسئولیت پذیری و ادامه دادن.



نویسنده: محمد بخشی
دانشجوی پزشکی



دورریز غذایی بیمارستانی



غذای خورده نشده در بیمارستان به عنوان دورریز غذایی بیمارستانی شناخته میشود که تاثیرات قابل توجهی را بر اقتصاد مدیریت یک بیمارستان وارد میکند؛ تولید غذای اضافی برای بیمارستان هزینه مالی دارد که در طول زمان میتواند قابل توجه باشد. ضررهای زیست محیطی ناشی از دورریزهای غذایی نیز قابل توجه است، مانند آلودگی های ناشی از فساد مواد غذایی که میتواند منجر به انتشار بسیاری از عوامل بیماری زا شوند.

گونه های مختلف قارچی بخصوص آسپرژیلوس ها و پنی سیلیوم ها میتوانند میکرواورگانیزم های فرصت طلب باشند، این آلودگی ها به ویژه در محیط بیمارستان که باید در نظافت کامل باشد میتواند آسیب های جدی به ساختار سلامت وارد کند.

تاکنون مطالعات زیادی برای جلوگیری از این دورریز غذایی در سطح بین المللی انجام شده که راهکارهای مختلفی ارائه کرده اند:

۱. توجه به نیاز هر بیمار به صورت جداگانه: هر بیمار بستری در بیمارستان رژیم غذایی منحصر به فرد خود را دارد که معمولاً توسط پزشک پیشنهاد میشود، قرار دادن مواد مورد نیاز و حذف مواد مضر برای بیمار میتواند از دورریز غذایی بکاهد.

۲. تولید مواد غذایی نزدیک به بیمارستان: اگر تولید غذا در نزدیکی بیمارستان انجام شود میتواند از هزینه ها و دورریز ناشی از حمل و نقل بکاهد.

۳. ایجاد منوی صحیح غذایی: در منوی غذایی بیمارستان باید مقدار غذا مشخص باشد تا برای هر بیمار آن مقدار غذایی که قرار است مصرف شود درخواست شود.

۴. بسته بندی درست: بسیاری از بیماران و یا پرسنل ممکن است در باز کردن و یا استفاده از بسته بندی خاص غذا مشکل داشته باشند، مدیریت بیمارستان باید از بسته بندی غذایی ای استفاده کند که برای همه از جمله مریض های ناتوان قابل استفاده باشد. ۵. آموزش کارکنان بیمارستان ها در مورد اهمیت و چگونگی کاهش دورریز غذایی: همانطور که مشخص است رسیدن به دورریز غذایی صفر در بیمارستان ها عملاً ممکن نیست اما میتوان تا حد ممکن آن را کم کرد، این هدف جز با مدیریت صحیح منابع و پرسنل میسر نیست.

نویسنده: صالح صفوی
دانشجوی پزشکی

